

# مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۴۰۳ (ص ۱ - ۱۵)  
دریافت: فروردین ماه ۱۴۰۳ پذیرش: خرداد ماه ۱۴۰۳

## جایگاه مولفه‌های تفکر انتقادی در کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم

### Investigating Critical Thinking in Content of Heavenly Message Books of Seven and Eight Secondary

مؤلف: مژگان محمدی نائینی / دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.  
مظفر صفریان / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.

Mozhgan Mohamadiy Naeni/ professor Academic department in philosophy Education Azad University of Arak.

[naeeni@yahoo.com](mailto:naeeni@yahoo.com)

Mozafar Safariyan / PhD student in philosophy Education Azad University of Arak.

#### Abstract

This dissertation has been conducted to aim identifying the arte of attention to empowering Lipman critical thinking skills in religious book of “heavenly message” in the seventh grade of high school. Research methodology, content analysis and research sample and population include all chapters of seventh and eighth grades. Data collection mean is researcher-made check list information based on Lipman skills which has been proved by training affairs experts and to analyze data, descriptive statistic indices such as table, frequency percentage, mean and chart have been used. Research results indicate that criteria of critical thinking have been addressed by 42.02% in the seventh grade book. Questioning skill has been assigned the highest frequency and skills of right judgment about problems and interoperations have had the least frequency, respectively. In sum, it can be concluded that critical thinking place is fairly good in 2 aforementioned books. According to obtained results, it is recommended to regard developing critical thinking fitted with age and grade of students especially collectivity and reasoning in planning and editing content of religious lesson's book.

#### چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی میزان توجه به پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی لیپمن در کتاب دینی (پیام‌های آسمان) پایه هفتم دوره اول متوسطه، انجام گرفته است. روش تحقیق، تحلیل محتوا و جامعه و نمونه تحقیق را، کل فصل‌های کتاب هفتم تشکیل می‌دهد. ابزار گردآوری اطلاعات چک لیست محقق ساخته بر اساس مهارت‌های لیپمن بوده که به تأیید متخصصان علوم تربیتی رسیده و برای تجزیه و تحلیل از شاخص‌های آمار توصیفی مانند: جدول، درصد فراوانی، میانگین و نمودار استفاده شده است. نتیجه تحقیق نشانگر آن است که در کتاب پایه هفتم به میزان ۴۴/۰۲ درصد به مولفه‌های تفکر انتقادی تأکید شده، که مهارت سوال کردن بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و مهارت‌های قضاوت صحیح در مورد مسائل و تفسیر نمودن، به ترتیب کمترین فراوانی را داشته‌اند و در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که جایگاه تفکر انتقادی در کتاب مذکور نسبتاً خوب است. براساس نتایج حاصله، پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌ریزی و تدوین محتوای کتاب درس دینی توجه بیشتری به پرورش تفکر انتقادی متناسب با سن و پایه تحصیلی دانش‌آموزان، بویژه مهارت‌های جمعی و استدلال معطوف نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** تفکر انتقادی، کتاب درسی، دوره متوسطه، تحلیل محتوا، مهارت‌های لیپمن.

**Keyword:** critical thinking, lesson book, high school period, content analysis, Lipman skills.

## مقدمه

صاحب‌نظران تربیتی یکی از اهداف عالی نظام تعلیم و تربیت را پرورش تفکر می‌دانند. از جمله جنبه‌های تفکر، تفکر انتقادی است. لیپمن، تفکر انتقادی را تفکری ماهرانه و مسئولیت‌پذیر می‌داند که قضاوت صحیح را تسهیل می‌کند؛ چون بر ملاک‌ها تاکید دارد، خود تصحیح کننده بوده و به موضوعات، حساس است (لیپمن، ۱۹۹۷).

جانسون<sup>۱</sup> می‌گوید: «تفکر انتقادی موجب می‌شود که فرد از مدارک و شواهد موجود بالاترین درک را داشته باشد و درک کردن، فرد را قادر می‌سازد تا نظرات و معانی را که ورای هر چیز مهم وجود دارد، آشکار سازد» (جانسون، ۲۰۰۲).

مایرز، پرورش تفکر انتقادی در افراد را به منزله یکی از هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید: واقعیت این است که در عصر کنونی کتاب‌های درسی قبل از چاپ شدن، کهنه می‌شوند و بیشتر مشاغل، سریعاً تغییر می‌کنند. لذا علاوه بر آماده کردن محیط آموزشی و معلمان و مربیان آگاه و روش‌های یاددهی و یادگیری نوین، بایستی محتوای متناسب با مهارت‌های تفکر انتقادی را در مقاطع مختلف تحصیلی تهیه نمود. یکی از توانایی‌های فکری ارزنده که دانش‌آموزان باید در مدارس کسب کنند، این است که شنیده‌ها، خوانده‌ها، اندیشه‌ها و اعتقادهای مختلفی را که در زندگی با آنها روبه رو می‌شوند، ارزشیابی کنند و درباره آنها تصمیم‌های منطقی بگیرند (مایرز<sup>۲</sup>، ترجمه ایلی، ۱۳۸۴).

پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی در تمام شئون زندگی، به خصوص در تعاملات اجتماعی و نیز بارور شدن استعدادهای فراگیران تاثیرگذار است. بر این اساس برنامه درسی در مدارس بایستی زمینه‌های لازم برای پرورش این مهارت‌ها در دانش‌آموزان فراهم آورد. امروزه به دلیل اهمیت مسائل اعتقادی و دینی و تاثیرگذاری آن در نوع جهان‌بینی و نیز تمامی شئون فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، بایستی در روند آموزش و محتوای کتاب دینی و انتقال مفاهیم گوناگون دینی (به خصوص در ارتباط با اصول اعتقادی مانند خداشناسی، معادشناسی، پیامبرشناسی و امام‌شناسی)، مهارت‌های تفکر انتقادی مورد توجه قرار گیرد. تا اولاً این پایه‌های اعتقادی به درستی شکل گیرد و استحکام و اتقان پیدا کند تا دانش‌آموز و دانشجوی مسلمان امروز و دانشمند فردا تحت تاثیر القائات منفی قرار نگیرد و دچار شک و تردید در مبانی و اصول اعتقادی خود نگردد. ثانیاً از هرگونه افراط و تفریط که ممکن است در شکل روشنفکری و تجدد افراطی و سکولاریستی از طرفی و یا تحجر و قشری‌گری و جمود از سوی دیگر، بروز پیدا کند، در امان بماند.

بنابراین ضرورت دارد در تدوین اهداف آموزشی و نیز در روش‌های تدریس و محتوای درس دینی به مولفه‌های تفکر انتقادی و پرورش آن در سطح فراگیران توجه کافی شود. با مراجعه به تحقیقات و پایان‌نامه‌هایی که در زمینه تحلیل محتوای کتب درسی انجام شده، مشخص شد که در رابطه با کتب دینی مقطع تحصیلی متوسطه تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

در این تحقیق میزان توجه به این مقوله، از طریق تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمانی پایه هفتم دوره متوسطه سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰، بر اساس مولفه‌های تفکر انتقادی مورد نظر ماتیو لیپمن مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است تا مشخص شود مهارت‌های تفکر انتقادی تا چه میزان در محتوای این کتاب گنجانده شده است؟ بنابراین نتیجه و حاصل این پژوهش ضمن ارائه یک جمع‌بندی جدید، مکمل تحقیقات گذشته نیز خواهد بود.

علاوه بر تبیین این مسئله و مبانی نظری تفکر انتقادی و متغیرها و مولفه‌های مورد نظر و ارائه تعاریف و ویژگی‌ها، مراحل آموزش، کاربردها و امثال آن با توجه به جامعه و نمونه مورد نظر (کتب انتخاب شده)، که مربوط به آموزش مسائل و مفاهیم دینی است، به مبانی دینی تفکر انتقادی و جایگاه آن در اسلام نیز توجه شده است.

## ادبیات تحقیق و تعاریف

<sup>1</sup> Jonson

<sup>2</sup> meyers

شاید بتوان گفت تفکر انتقادی قدمتی در حد آفرینش انسان دارد که البته به صورت ساده و اولیه بوده و رفته‌رفته پیچیده شده است. تفکر انتقادی به صورت امری نسبتاً نظام‌مند را به سقراط و افلاطون (با روش سؤال و مناظره) نسبت داده‌اند. "علاقه به توسعه توانایی‌های تفکر انتقادی در محافل آموزشی پدیده جدیدی نیست. منشا چنین علاقه‌ای به سقراط بر می‌گردد. سقراط با پرسش‌های ماهرانه، فرد را به تفکر و بیان افکار خود کمک می‌کرد. امروزه این اصطلاح با اهمیت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته است که عمده‌ترین نظریه‌پردازان آن را رابرت انیس، ماتیو لیپمن، رابرت اشتن برگ تشکیل می‌دهد" (بنزلی، ۱۹۹۷).

در قرن نوزدهم جان استوارت میل<sup>۴</sup> منطق استقرایی را در مقابل قیاس<sup>۵</sup> ارسطویی مطرح کرد. تفکر انتقادی صورت جدیدی از منطق است که اولاً سعی می‌کند مفاهیم ساده را در برخورد انتقادی با افراد و ارزیابی افکار به کار گیرد، ثانیاً از دستاوردهای بخش‌های دیگر فلسفه، مثل: فلسفه زبان، معناشناسی، نشانه‌شناسی و معرفت‌شناسی و امثال آن کمک می‌گیرد تا به سادگی بتواند افکار مختلف را ارزیابی کند (صادقی، ۱۳۹۱).

در عصر جدید، جان دیویی را پدر تفکر انتقادی نامیده‌اند. دیویی تفکر انتقادی را نوعی حل مسئله دانسته و با ارائه الگویی برای تفکر انتقادی در اوایل قرن بیستم، هدف تربیت را پرورش قوه استدلال و داوری مطرح نموده است. دیویی با نوشتن آثار گرانبهایی توانست الگوی جدیدی برای تعلیم و تربیت عرضه کند؛ الگویی که از حیث مفروضات بنیادی با الگوهای رایج تربیتی کاملاً متفاوت بود و اهداف مهم‌تر و والاتری را دنبال می‌کرد. در الگوی دیویی، هدف تربیت، پرورش قوه استدلال و توسعه قوه داوری در کودکان بود (انیس، ۱۹۶۲).

اندیشه انتقادی و پرورش قوه تفکر به عنوان هدف تربیت، بعد از انتشار آثار دیویی به طور روز افزون مورد توجه قرار گرفت، تا این که در اوایل دهه ۱۹۵۰ جنبشی تحت عنوان «نهضت تفکر انتقادی»<sup>۶</sup> با دو فرض اساسی کار خود را آغاز کرد: اول این که فکر کردن حق هر انسان است و بنابراین کودکان حق دارند در محیط مدرسه و کلاس درس به فکر کردن و اندیشیدن بپردازند. دوم این که کلاس درس آزمایشگاه عقلا نیست است و در آن حدس‌های خردمندانه کودکان مورد آزمون قرار می‌گیرد و از این طریق، عقل آنان رشد می‌کند. جنبش تفکر انتقادی در اوایل دهه ۱۹۶۰ با تأثیر پذیری از افکار رابرت انیس نیرویی مضاعف یافت.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ ماتیو لیپمن توانست با ارائه الگویی، شیوه آموزش مهارت‌های اندیشیدن را نشان دهد. اما در اواسط دهه ۱۹۹۰ لیپمن در مبانی این الگو تجدید نظر کرد و به پرورش بعد اخلاقی تفکر انتقادی در کنار مهارت‌های اندیشیدن توجه خاص کرد و به این ترتیب توانست موج نهضت تفکر انتقادی را به خارج از مرزهای آمریکا بگستراند و آن را به شهرت بین‌المللی برساند.

جان مک پک به عنوان یکی از موثرترین فیلسوفان جنبش تفکر انتقادی، ضمن تقدیر از کار لیپمن و تأیید برنامه وی، چون ابزاری اساسی برای رشد فکری کودکان، با جهت‌گیری فکری از پیش تعیین شده یا فعالیت هدایت شده در این برنامه مخالفت می‌ورزد (مک پک<sup>۷</sup>، ۱۹۸۵). لیپمن با قبول دو پیش فرض اساسی، الگوی تفکر انتقادی خود را سازمان دهی می‌کند: یکی تحلیلی بودن ماهیت تفکر انتقادی و دیگری در نظر گرفتن مفهوم داوری به عنوان هدف اصلی تفکر انتقادی (جهانی، ۱۳۸۷).

بلوم (۱۹۵۶) تفکر انتقادی را مربوط به رده‌های بالای تفکر از قبیل تجزیه، تحلیل و ارزشیابی می‌داند. او سلسله مراتب یادگیری را به شش گروه از ساده به پیچیده تقسیم می‌کند:

۱. دانش: یادگیرنده فقط مطالب را حفظ می‌کند و یادگیری طوطی‌وار است.
۲. فهم: یادگیرنده مفاهیم را درک می‌کند و به زبان خود تعریف می‌کند.
۳. کاربرد: یادگیرنده مفاهیم را در حل مسایل به کار می‌برد.
۴. تحلیل: یادگیرنده به تحلیل مسایل در ذهن خود می‌پردازد تا به دلیل چیزی پی ببرد.
۵. ترکیب: یادگیرنده مسایل جدید را به مسایل و آموخته‌های قبلی خود پیوند می‌زند.
۶. ارزشیابی: در این مرحله که بالاترین حد یادگیری است، یادگیرنده می‌تواند راجع به مسایل مختلف قضاوت کند و دلیل بیاورد که چرا چیزی خوب و یا بد است. به اعتقاد او در سه مرحله آخر، تفکر انتقادی وجود دارد (پیشقدم، ۱۳۸۶).

<sup>3</sup> Bensley

<sup>4</sup> meel

<sup>5</sup> Analogy

<sup>6</sup> Critical thinking movement

<sup>7</sup> Peck

اگن<sup>۸</sup> و کاوچاک<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) اهمیت تفکر انتقادی را مورد توجه قرار داده و معتقدند همواره به مقدار زیادی اطلاعات گمراه کننده، تبلیغات تجاری و سایر انواع تبلیغات ارائه می‌شود که باید آنها را سبک سنگین کرد و سره را از ناسره جدا نمود (سیف، ۱۳۹۰).  
 وینچ آموزش تفکر انتقادی و ارتباط آن با استقلال در ابعاد مختلف را مورد بحث و بررسی قرار داده و معتقد است: "منطق انتقادی"<sup>۱۰</sup> برای حفظ شرایط مناسب جهت دنبال کردن مبحث استقلال نیز ضروری است. روی آوردن به "منطق انتقادی" در جوامعی امکان پذیر است که در آنها امکان زندگی کردن به روش‌های مختلف وجود داشته باشد. جوامع از سوی شهروندان آموزش دیده و آگاهی حفظ می‌شوند که توانایی دفاع از منافع خود در برابر استدلال‌های صاحبان ثروت و قوی را داشته باشند (وینچ<sup>۱۱</sup>)، ترجمه افشار امیری، (۱۳۸۶).

### ویژگی‌ها و تعاریف مهارت‌های تفکر انتقادی

تفکر انتقادی یا تفکر نقادانه به گونه‌های مختلفی تعریف شده است که به چند مورد اشاره می‌شود.  
 اگن و کاوچاک (۲۰۱۰) این تعریف را به دست داده‌اند: «توانایی و گرایش فرد برای سنجش نتایج امور و تصمیم‌گیری درباره آنها بر اساس شواهد».

ولفلک (۲۰۰۴) تفکر انتقادی را به عنوان «ارزشیابی نتایج از راه واری منطقی و منظم مسائل، شواهد و راه حل‌ها توصیف کرده است». اسلاوین<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۶) نیز تفکر انتقادی را به صورت «توانایی گرفتن تصمیمات منطقی درباره آنچه که باید انجام دهیم و آنچه که باید باور کنیم» تعریف کرده است. همچنین تعریف کامل تری از تفکر را ارامرود (۲۰۰۰) به دست داده است: «تفکر انتقادی یعنی داوری درباره صحت، اعتبار و ارزش اطلاعات استدلال‌های ارائه شده (سیف، ۱۳۹۰).

مایرز تفکر انتقادی را شناسایی استدلال‌های غلط، پرهیز از تناقضات و مفروضات اظهار شده و اظهار نشده در بحث‌های دیگران، نداشتن هیجان عاطفی هنگام روبرو شدن با مسئله یا عدم تعادل تعریف کرده است (شعبانی، ۱۳۸۲).  
 جان دیویی، تفکر انتقادی را بررسی دقیق هر نظر یا عقیده با توجه به دلایلی که از آن حمایت می‌کند و نتایجی که این نظر یا عقیده متوجه آنهاست، می‌داند (همان).

انجمن روانشناسی آمریکا<sup>۱۳</sup> تفکر انتقادی را، قضاوت خودساخته و هدفمندی که منجر به تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط شود، می‌داند؛ ضمن اینکه باید متکی بر دلیل و مدرک، توضیح مفهومی، منظم و قانونمند، با ملاحظات متنی بر پایه قضاوت باشد (اسمیت<sup>۱۴</sup> ۱۹۹۹).

پوپر، عقلانیت انتقادی را یک شیوه تفکر می‌داند که ویژگی بارز آن، تعقل درباره امور مختلف و آمادگی برای گوش سپردن به استدلال‌های نقادانه و جستجو برای یافتن اشتباهات خود و درس آموختن از آنهاست. پوپر معتقد است که این الگو نه تنها یک شیوه فکر، حتی یک شیوه زندگی است (پوپر<sup>۱۵</sup>، ترجمه پایا، ۱۳۸۴).

لیپمن بین تفکر عادی و تفکر انتقادی تمایز قائل می‌شود و تفکر عادی را ساده و تفکر انتقادی را پیچیده‌تر می‌داند که مستلزم فرایندهای عالی ذهن و داوری بر اساس شواهد و مدارک است؛ بر این اساس، مشخص کردن و بیان کردن مسائل، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل پرسش‌ها، مشاهده و قضاوت درباره اعتبار یک منبع، سازمان‌دهی اطلاعات و نتیجه‌گیری و بررسی نتایج، همه فعالیت‌هایی هستند که در تفکر انتقادی رخ می‌دهند (لیپمن، ۱۹۹۷).

مهارت‌های نه‌گانه ماتیو لیپمن عبارتند از: سوال کردن - تحلیل و ارزیابی - استدلال - ارزیابی شواهد و اظهارات - تفسیر نمودن - جمعی بودن - قضاوت صحیح در مورد مسائل - منطقی بودن - صراحت داشتن (تفنگدار، ۱۳۸۶، به نقل ندرلو، ۱۳۹۳).

<sup>8</sup> Egen

<sup>9</sup> Kavechack

<sup>10</sup> Critical logic

<sup>11</sup> Vinch

<sup>12</sup> Eslaveyn

<sup>13</sup> American psychological association

<sup>14</sup> Smiet

<sup>15</sup> Poper

اشتن برگ<sup>۱۶</sup> (۱۹۷۸) تفکر انتقادی را آزمودن راه حل‌های پیشنهادی برای مسائل تعریف می‌کند. وی تفکر انتقادی را فرآیندی می‌داند که در آن به بررسی جستجوی دلایل، تحلیل مباحث، تصمیم‌گیری و استنتاج و در نهایت به پرداختن حل مسائل می‌داند (سلیمان نژاد و سلطان القرایی، ۱۳۸۷).

### جایگاه تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت

تفکر انتقادی، یک قضاوت قابل کنترل و هدفمند است که به شواهد، زمینه‌ها، مفاهیم، روش‌ها و معیارها توجه منطقی دارد. در نظام‌های تربیتی که به این مسأله توجه نمی‌کنند؛ محصولات نهائی آن افرادی سطحی‌نگر و غیرخلاق هستند که این امر جهت پیشرفت معنوی و مادی آن کشور به عنوان یک معضل محسوب می‌شود. تفکر انتقادی، تفکری است با تاکید بر فرایند یادگیری و به زیر سوال بردن اندیشه‌ها و باورهای خود و دیگران که با اولویت و تغییر در حوزه نگرشی فرد، زمینه تعامل اجتماعی او را فراهم می‌کند (لیپمن، ۱۹۹۷).

### جایگاه تفکر انتقادی در آموزه‌های دینی

در قرآن کریم کلمه تفکر، عقل و تعقل و مشتقات آن ۶۸ بار تکرار شده (آموزگار، ۱۳۷۵) و در روایات معصومین علیهم‌السلام بسیار مورد تاکید قرار گرفته و تفکر در حکم وسیله برای بررسی پدیده‌ها و مسائل متعدد عنوان شده است:

«قل هل یستوی الاعمى و البصیر افلا تتفكرون؛ بگو آیا فرد کور و بینا یکسان هستند؟ چرا فکر نمی‌کنند؟ (انعام: آیه ۵۰).

«قل انظروا ماذا فی السماوات و الارض...؛ بگو که با چشم عقل بنگرند به آنچه که در آسمان‌ها و زمین است» (یونس، آیه ۱۰۱).

نتیجه چنین مشاهده دقیق شگفته شدن عقل است و به همین علت روش فوق یکی از روش‌های پیاده شدن اصل تعقل می‌باشد و بدیهی است که منظور از نظر و مشاهده فوق صرفاً یک دیدن ظاهری بدون تفکر نیست، زیرا چنین دیدنی هرگز موجب شکفتن عقل نخواهد شد (سلطان القرایی و سلیمان نژاد، ۱۳۸۷).

### حجیت عقل

عقل، منبع مستقل است که شایستگی درک، تدوین و تنظیم بخشی از قوانین اجتماعی را دارد و با حکم عقلی می‌توان به حکم شرعی نیز رسید، چرا که پیوندی ناگسستنی میان عقل و شرع برقرار است که در زبان علمی به قاعده «ملازمه» مشهور است:

«کلّ ما حکم به العقل به الشرع و کلّ ما حکم به الشرع حکم به العقل» هرچیزی که عقل به آن حکم کند، شرع نیز بر آن حکم می‌کند و هرچه شرع به آن حکم کند عقل نیز بر آن حکم می‌کند» (اصول الفقه، به نقل فصلنامه حفاظت، ۱۳۸۴).

با دقت در آیات و روایات به خوبی می‌توان دریافت که عقل و وحی پشتیبان یکدیگرند نه مخالف هم؛ آنها دو چشم شریعتند که به یک سو می‌نگرند و محال است که رو در روی هم قرار گیرند (همان).

### پیشینه تحقیقات

بل<sup>۱۷</sup> و همکارانش در سال ۱۹۸۲ میلادی پژوهشی را به انجام رساندند که در آن شش فرایند بر استراتژی‌های یادگیری متمرکز شده بود و هدف از آن تدریس روش کار و چگونگی عمق بخشیدن، تحلیل کردن و استفاده کردن از تفکر انتقادی به دانشجویان پرستاری در برخورد با مواردی بود که در موقعیت‌های کلینیکی با آنها مواجه می‌شدند. نتایج تحقیق حکایت از آن داشت که دانش تجربی و نظری تئوریک دانشجویان تقویت شده است (استیب<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۳ به نقل ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶).

کارابنیک و کولینز<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۶) در یک مطالعه بر روی دانشجویان به این نتیجه رسیدند که شیوه آموزشی مبتنی بر مشارکت گروهی، مهارت تفکر انتقادی دانشجویان را ارتقاء می‌دهد (فتحی آذر، ۱۳۸۲).

<sup>16</sup> Eshtenberg

<sup>17</sup> Bell

<sup>18</sup> Steeb

<sup>19</sup> Karabneak & Kolinz

آیزنر<sup>۲۰</sup> (۱۹۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «نوع مدرسی که نیاز داریم» مشکلات مدارس امروز را یادآور می‌شود و می‌گوید: «مدارس امروز تنها بر روی مهارت‌های خواندن و نوشتن و حساب کردن تأکید می‌ورزند، در حالی که این مهارت‌ها ذاتاً دارای ارزش نیستند و از نظر تعلیم و تربیت، تهی از فضیلت‌اند». او برای اصلاح و بهبود چنین وضعیتی تقویت ویژگی‌هایی همچون تعادل در برنامه، استقلال فکری، صورت‌بندی مسائل، پرورش حواس، عشق به درس، تعالی در تدریس و پرورش تفکر انتقادی را توصیه می‌کند.

مطالعات پاول والدرا (۲۰۰۰) در ۳۸ دانشگاه دولتی و غیرانتفاعی در زمینه اتفاق نظر استادان روی ضرورت تفکر انتقادی (البته بدون ارائه تعریف دقیق و استانداردهای عقلانی در این رابطه)، نشان می‌دهد، با وجود اینکه همه استادان، تفکر انتقادی را به منزله یک هدف اولیه برای آموزش می‌شناسند و باور دارند که به خاطر آن تدریس می‌کنند، اما عده کمی از آنها توانستند:

\* تعریف روشنی از تفکر انتقادی ارائه دهند،

\* استانداردهای عقلانی را که تفکر انتقادی بر پایه آنهاست، توضیح دهند،

\* توانایی‌های تشکیل دهنده آن را تشخیص دهند.

\* ویژگی‌های عقلانی یا تمایلات مرتبط با تفکر انتقادی را مورد بحث قرار دهند (ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶).

وین اوریلی<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی، مدلی به منظور پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی در درس تاریخ ارائه داده است که بر ارزشیابی، تعقل و ارائه و بررسی مدارک و اعتبار آن تأکید دارد. در این تحقیق نخست دو متن متضاد به دانش‌آموزان ارائه می‌شود که با استفاده از تجارب آنان و تعامل و بحث بر روی مدارک و اعتبار منابع اطلاعات و مدارک مورد بررسی قرار می‌گیرد. دانش‌آموزان معیارهایی برای قضاوت و ارزشیابی مورد توجه قرار می‌دهند و بر مبنای آن اعتبار مدارک و منابع اطلاعاتی بررسی می‌شود. این پژوهش به دانش‌آموزان کمک کرد که فکر کردن را بیاموزند و به طریقی این مهارت‌ها را به سایر دروس دیگر در دبیرستان و زندگی منتقل کنند (ندرلو، ۱۳۹۳).

آبر گاربا<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به تاثیر برخی از مهارت‌های شناختی در افزایش توانایی مهارت‌های خواندن و نوشتن در بین دانش‌آموزان پرداخته است. وی بیان می‌کند که برای مدت‌های طولانی هوش به منزله صفتی ثابت شناخته می‌شد که مبتنی بر ظرفیت حافظه بود، اما امروزه در جهان متغیر و متنوع، این نوع توانایی لزوماً باعث موفقیت در زندگی و بویژه در مدرسه و دانشگاه نمی‌شود. لذا برای افزایش توانایی مهارت‌های خواندن و نوشتن می‌توان هوش را به کمک مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی تقویت کرد که از آن جمله می‌توان به مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت و پرسش‌گری اشاره کرد.

## تحقیقات انجام شده در ایران

غیائی و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با هدف تحلیل محتوای کتاب تاریخ معاصر ایران از بعد تفکر انتقادی انجام داده‌اند. جامعه آماری در این پژوهش، محتوای کتاب درسی تاریخ معاصر ایران شامل ۲۸۱۸ جمله بوده که به دلیل محدود بودن جامعه آماری، نمونه آماری نیز همان جامعه آماری می‌باشد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، سیاهه تحلیل محتوای کتاب درسی تاریخ معاصر ایران بوده که بر اساس مبانی نظری تهیه و روایی آن توسط متخصصان علوم تربیتی تأیید شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع، در محتوای کتاب درسی تاریخ معاصر ایران ۳۴٫۶۳ درصد جمله‌ها با تفکر انتقادی ارتباط داشته که از این میزان ۲۲٫۱۴ درصد به بعد شناختی، ۶٫۸۸ درصد به بعد عاطفی و ۵٫۶۱ درصد به بعد عملکردی اختصاص دارد. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که درصد توزیع مولفه‌های تفکر انتقادی در محتوای کتاب درسی تناسب نداشته است، همچنین میزان توجه به بعد شناختی، حدود سه برابر میزان توجه به بعد عاطفی و بعد عملکردی بوده که این وضعیت متناسب با آموزش تفکر انتقادی نمی‌باشد.

جعفری کمانگر و سلیمانی (۱۴۰۱) در پژوهشی، جایگاه تفکر انتقادی لپین را در محتوای کتاب‌های فارسی ابتدایی را مورد بررسی و و تحلیل قرار داده‌است. نتایج این تحقیق نشان داده‌اند: میزان توجه به این مؤلفه‌ها در پایه چهارم بیشتر و در پایه ششم کمتر بوده‌است. در کل متون مورد بررسی، مؤلفه توجه به شرایط استثنایی و نامتعارف بالاترین سطح و در نظر داشتن تفاوت‌های معنایی ناشی از فرهنگ‌ها، زبان‌ها و دیدگاه‌های شخصی مختلف از پایین‌ترین سطح برخوردار بوده‌اند. توزیع نامتوازن این مؤلفه‌ها، نشان‌دهنده نیاز

<sup>20</sup> Ayzner

<sup>21</sup> Cevineveryli

<sup>22</sup> Albergaria

به توجه بیشتر مؤلفان کتاب‌های درسی به ابعاد تفکر فلسفی لیپمن در متونی است که دقیقاً به این منظور در کتاب‌های درسی گنجانده شده است.

سولماز خادمی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با هدف بررسی میزان توجه به خلاقیت، تفکر انتقادی و ابراز وجود دانش‌آموزان دوره متوسطه در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه صورت گرفته است. نتایج تحقیق که با روش تحلیل محتوای کتب درسی نشان داده که، در بخش اهداف، میزان توجه به خلاقیت، تفکر انتقادی و ابراز وجود دانش‌آموزان در سطح ضعیف قرار دارد و در بخش محتوای کتب درسی مورد نظر و کتب راهنمای معلم، میزان توجه به خلاقیت، تفکر انتقادی و ابراز وجود دانش‌آموزان در سطح خیلی ضعیفی قرار دارد. از این رو پیشنهاد شده که محتوای کتب مذکور توسط مولفین و برنامه‌ریزان کتب درسی مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گیرد.

وهایی (۱۳۹۰) پژوهشی به منظور ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه براساس مهارت‌های تفکر انتقادی از دیدگاه کارشناسان برنامه‌ریزی درسی و دبیران علوم اجتماعی آموزش و پرورش منطقه اورامانات در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ انجام داده است. روش تحقیق از نوع توصیفی-کاربردی بوده است. جامعه آماری کلیه دبیران علوم اجتماعی در دوره متوسطه و همچنین کارشناسان برنامه‌ریزی درسی بوده‌اند. روش نمونه‌گیری در معلمان از نوع سرشماری و در کارشناسان نمونه‌گیری در دسترس که حجم نمونه بعد از افت آزمودنی‌ها در معلمان ۳۹ نفر و در کارشناسان ۱۲ نفر بوده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که از دیدگاه کارشناسان برنامه‌ریزی درسی، محتوای کتاب‌های علوم اجتماعی، مهارت‌های تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان دوره متوسطه رشد می‌دهد، در حالی که از دیدگاه معلمان، این کتاب‌ها، مهارت‌های تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان دوره متوسطه رشد نمی‌دهد.

علی‌پور و قاسمیان (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی» و با روش تحلیل محتوا، با استفاده از چک لیست تحلیل محتوا انجام داده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های درسی کمترین توجه به مولفه‌های تفکر انتقادی داشته‌اند؛ همچنین به حیطه‌های عاطفی، در عناصر محتوا و راهنمای معلم کمتر توجه شده است. به تفکر انتقادی در عناصر برنامه درسی به ترتیب زیر پرداخته شده است: راهنمای معلم (۳۹/۴۵)، اهداف (۳۳/۳۳) و محتوا (۳۱/۸). لذا نتایج تحقیقات آنان نشان داد که در محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره متوسطه ایران کمتر به مقوله تفکر انتقادی و مهارت‌های آن توجه شده است (به نقل از نوریان، ۱۳۸۶).

علی‌پور (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تناسب محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی با پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی که با روش تحلیل محتوا و با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) انجام شده، نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، مهارت‌های تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی، قضاوت و جمع‌بندی را پرورش نمی‌دهد (همان).

هاشمی (۱۳۸۴) در پژوهش خود به بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب‌های درسی پایه پنجم ابتدایی بر مبنای مولفه‌های لیپمن پرداخته و با استفاده از تکنیک ویلیام نشان داده که میزان توجه به تفکر انتقادی در کتاب علوم بیش از کتاب ریاضی بود. وی همچنین نتیجه گرفته است که عدم بکارگیری مهارت‌های تفکر انتقادی توسط دانش‌آموزان را باید علاوه بر مشکلات موجود در محتوای کتب درسی، در پارامترهای دیگری مانند روش تدریس جستجو کرد (ندرلو، ۱۳۹۳).

هاشمیان‌نژاد (۱۳۹۰) ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی علوم و دینی دوره راهنمایی از منظر میزان تاکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی را مورد توجه قرار داده است. جامعه آماری شامل کتاب‌های درسی علوم و دینی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فهرست تحلیل محتوا بود. یافته‌ها نشان داد: بین کتاب‌های اول، دوم و سوم علوم از نظر میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. بر اساس میانگین رتبه‌های داده‌ها در کتاب‌های علوم ۳۰/۹ درصد، به این مهارت‌ها توجه شده است. در مورد کتاب‌های دینی نیز وضع چنین است با این تفاوت که در سال سوم راهنمایی به این مهارت‌ها توجه بیشتری (یعنی ۳۰/۸ درصد) شده است. محاسبه میانگین‌های هر شاخص در درس علوم بیانگر توجه بیشتر به مؤلفه شناسایی مفروضات (۴۳ درصد) و کمتر به مؤلفه ارزشیابی استدلال‌های منطقی (۴ درصد) است.

روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل محتوا است که با توجه به هدف تحقیق، انتخاب شده است. تحقیق حاضر در گروه پژوهش‌های توصیفی، کیفی است. جملات کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره متوسطه در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به عنوان کوچکترین واحد ثبت در نظر گرفته شده‌اند و همزمان توسط محقق و دو کارشناس همکار (با تخصص و تحصیلات دانشگاهی برنامه‌ریزی درسی و برنامه‌ریزی آموزشی) که مورد توجه و آموزش قرار گرفتند و دقت و انگیزه لازم را برای همکاری داشتند، کار آغاز و به انجام رسید. بدیهی است در بسیاری از موارد یک جمله به تنهایی نشانگر وجود یا عدم وجود یک یا چند مهارت تفکر انتقادی نبود لذا با توجه خاص به پاراگراف، عبارت و یا مفهوم کلی یک موضوع مندرج در هر یک از قسمت‌های فصول (متن اصلی، خودآزمایی، بیشتر بدانیم، تصاویر و...) تعداد فراوانی مهارت‌ها ثبت و در نتیجه تعداد جملات فاقد تفکر انتقادی (تجویزی) مشخص گردید.

### جامعه (محیط) و نمونه آماری پژوهش

کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم متوسطه سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ شامل ۵ فصل بوده و در دفتر تالیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران تالیف شده است. به منظور بالا بردن میزان دقت و اعتبار و نیز به دلیل حجیم نبودن کتاب مذکور، نمونه آماری شامل کل جامعه مورد اشاره می‌باشد.

### ابزار جمع آوری داده‌ها

چک لیست (جدول)، مطابق مولفه‌های نه‌گانه لیپمن (سؤال کردن- تحلیل و ارزیابی- استدلال- ارزیابی شواهد و اظهارات- تفسیر نمودن- جمعی بودن- قضاوت صحیح در مورد مسائل- منطقی بودن- صراحت داشتن) که توسط محقق تهیه و تنظیم و روایی آن به تایید متخصصان علوم تربیتی رسیده است. پس از تعیین طبقه‌ها و زیرطبقه‌ها، با ملاک قرار دادن تعریف هر یک از مهارت‌های تفکر انتقادی، کار تحلیل محتوای کتاب مورد نظر را به طور جداگانه انجام شده که براساس محاسبه از طریق آلفای کرانباخ<sup>۲۳</sup>، میزان توافق کل ۸۵/۴۴ درصد بین تحلیل سه کارشناس بوده است.

### جدول شماره ۳-۱ ضریب پایایی (توافق) داده‌های جمع‌آوری شده توسط سه کارشناس

میزان توافق	مولفه های تفکر انتقادی
۰/۹۱	مهارت سوال کردن
۰/۸۴	مهارت تحلیل و ارزیابی
۰/۸۲	مهارت استدلال
۰/۸۸	مهارت ارزیابی شواهد و اظهارات
۰/۸۳	مهارت تفسیر کردن
۰/۸۶	مهارت جمعی بودن
۰/۸۲	مهارت قضاوت صحیح در مورد مسائل
۰/۸۴	مهارت منطقی بودن
۰/۸۹	مهارت شفاف سازی و تعریف
۸۵/۴۴ درصد	کل

درباره ضریب توافق کارشناسان ملاک ثابت و دقیقی از منابع در دسترس محقق به دست نیامد. لکن طبق نظر اساتید محترم راهنما و مشاور و با استناد به دیدگاه‌های صاحب‌نظران، بایستی در تحلیل محتوا بیش از ۰/۸۰ تا ۰/۸۵ توافق بین کارشناسان (کدگذاران) وجود داشته باشد.

البته آن طور که دلاور آورده، ملاک مطلق به منظور قضاوت پیرامون ضریب پایایی وجود ندارد ولی ملاک (۶۰) درصد از طرف صاحب نظران پذیرفته شده است (دلاور، ۱۳۸۳).



بنا بر این با توجه به داده‌های درج شده در جدول ۳-۱ ابزار به کار گرفته در پژوهش حاضر از پایایی خوبی برخوردار است. توضیح اینکه در تحقیق ندرلو (۱۳۹۳) که طی آن تحلیل محتوای کتاب‌های علوم اجتماعی سوم و ششم ابتدایی براساس مهارت‌های تفکر انتقادی لیپمن انجام گرفته، از سیاهه محقق ساخته استفاده شده که روایی آن به تایید صاحب‌نظران رسیده و توسط نامبرده و یک کارشناس برنامه‌ریزی درسی به عنوان همکار اجرا شده که ضریب پایایی کارآنان ۷۴/۰۴ درصد گزارش شده است. همچنین در تحقیقات مشابه، وهابی (۱۳۹۰)، غیائی و همکاران (۱۳۹۱) و ولیزاده (۱۳۹۰)، از همین ابزار استفاده شده است.

### روش اجرای تحقیق

ابتدا به هریک از مولفه‌ها، یک شناسه داده شده و سپس در راستای توصیف مفاهیم به مطالعه دقیق جملات کتاب اقدام شد و با توجه به تاکیدی که به هریک از مولفه‌ها وجود داشت، کدگذاری گردید. البته اگر چه واحد کدگذاری و ثبت و مقایسه و جمع‌بندی نهایی جمله است، اما در مراحل اجرایی، صرفاً توجه جملات به تنهایی به عنوان واحد کدگذاری امکان‌پذیر نبود لذا می‌بایست به هر جمله، عبارت، پاراگراف یا مفهوم دقت می‌شد تا پی به مهارت‌های گنجانده شده در محتوا برده می‌شد. همچنین برای دقت در مشاهده، ثبت و مقایسه و جمع‌بندی نهایی، هر فصل به واحدهای کوچکتر شامل: متن اصلی، خودآزمایی و فعالیت کلاسی، بیشتر بدانیم و پیشنهاد، تصاویر و الهی‌نامه، تقسیم شده است. پژوهشگر و دو کارشناس همکار، با ملاک قرار دادن تعریف هر یک از مهارت‌های تفکر انتقادی، کار تحلیل محتوای کتاب پیام‌های آسمان پایه هفتم دوره اول متوسطه را انجام داده‌اند آنگاه فراوانی و میزان تکرار یک مهارت و درصد آن محاسبه شده و نیز تعداد موارد فاقد تفکر انتقادی (تجویزی) نیز مشخص شده است.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل کمی از شاخص‌های آمار توصیفی همچون جدول، درصد فراوانی، میانگین و نمودار استفاده شده و نیز با ملاک‌های منطقی تجزیه و تحلیل کیفی صورت گرفته و در پایان به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب دینی (پیام‌های آسمان) پایه هفتم دوره اول متوسطه سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ طراحی و اجرا شده است. با توجه به داده‌های به دست آمده، ضمن ارائه نتایج حاصل از پاسخگویی به پرسش‌های پژوهشی، این نتایج به صورت منطقی مورد بررسی قرار گرفت و با نتایج تحقیقات مشابه قبلی مقاسه شد.

**سؤال کلی شماره:** در کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه میزان به پرورش تفکر انتقادی (مهارت‌های لیپمن) توجه شده است؟

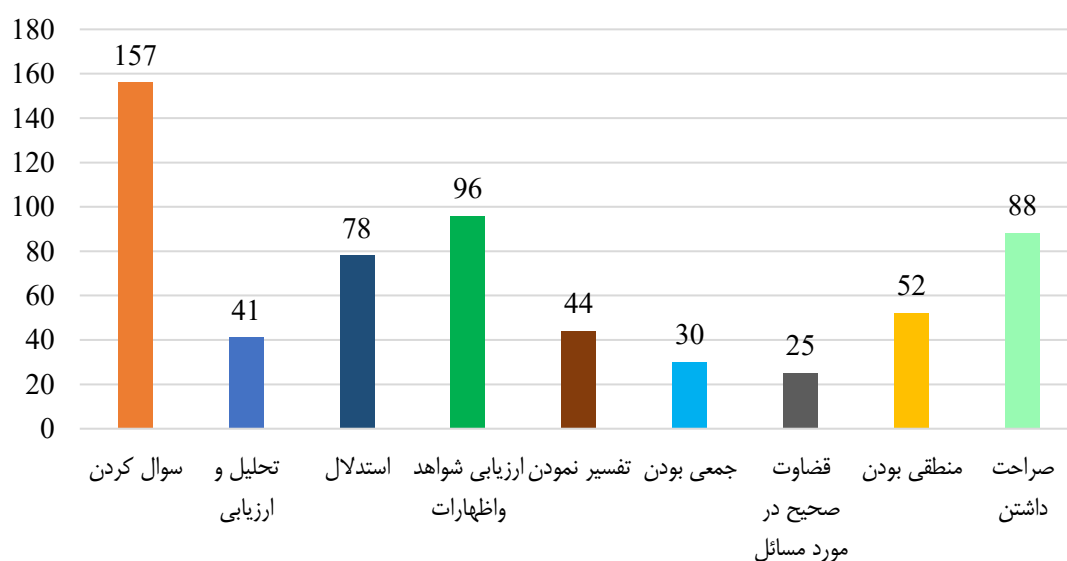
در این کتاب که شامل ۵ فصل با موضوعات و مفاهیم دینی است، ۶۱۱ مورد به مهارت‌های تفکر انتقادی تاکید شده است که نسبت به کل کتاب ۴۴/۰۲ درصد است. بنابراین در ۷۷۷ مورد از جملات، عبارات، پاراگراف‌ها و مفاهیم کل کتاب که ۵۷/۹۷ درصد را شامل می‌شود، به تفکر انتقادی پرداخته نشده است. ترتیب فراوانی مهارت‌ها از بالا به پایین عبارت است از: سؤال، ارزیابی شواهد، صراحت داشتن، استدلال، منطقی بودن، تفسیر، تحلیل و ارزیابی، جمعی بودن و قضاوت صحیح. با توجه به تفاوت در هر یک از موضوعات دینی و فصل‌های کتاب، قطعاً ضرورت توجه به هر یک از مهارت‌ها با یکدیگر متفاوت است، از طرفی شاخص و استاندارد علمی برای تعیین حداقل و حداکثر لازم برای این مهارت‌ها ارائه نشده تا بتوان مطلوبیت یا عدم مطلوبیت درصدهای بدست آمده را با آن سنجید، اما در مجموع جایگاه تفکر انتقادی در کتاب مذکور نسبتاً خوب است و این بدان معناست که بایستی توجه بیشتری به پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی، به ویژه بعضی از مهارت‌ها مانند جمعی بودن، شود. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین، این کتاب و سئوالات پژوهشی مشابه با آن مطرح نشده است لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این پژوهش در دسترس نبود. ولی می‌توان به تحقیق هاشمیان‌نژاد (۱۳۹۰) که ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی علوم و دینی دوره راهنمایی از منظر میزان تاکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی را مورد توجه قرار داده است، اشاره نمود. جامعه آماری ایشان شامل کتاب‌های درسی علوم و دینی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات فهرست تحلیل محتوا بود. یافته‌ها نشان داد: بین کتاب‌های اول، دوم و سوم علوم از نظر میزان توجه به مهارت‌های تفکر

انتقادی، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. بر اساس میانگین رتبه‌های داده‌ها در کتاب‌های علوم ۳۰/۹ درصد، به این مهارت‌ها توجه شده است. در مورد کتاب‌های دینی نیز وضع چنین است با این تفاوت که در سال سوم راهنمایی به این مهارت‌ها توجه بیشتری (یعنی ۳۰/۸ درصد) شده است. میانگین‌ها بیانگر توجه بیشتر به مؤلفه استنباط (۲۷ درصد) و توجه کمتر به شناسایی مفروضات (۱۴ درصد) است. ضریب درگیری متن در ارتباط با کل مهارت‌های تفکر انتقادی در کتب دینی ۰.۲۱ گزارش شده است.

جدول شماره ۴-۱۱ تحلیل محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم متوسطه  
بر اساس همه مهارت‌های تفکر انتقادی و به تفکیک فصلهای کتاب

مهارت	فصل اول	فصل دوم	فصل سوم	فصل چهارم	فصل پنجم	جمع فراوانی هر مهارت	درصد هر مهارت نسبت به سایر مهارت‌ها
سوال کردن	۲۱	۲۳	۲۸	۳۹	۴۶	۱۵۷	۲۵/۶۹
تحلیل و ارزیابی	۷	۷	۸	۶	۱۳	۴۱	۶/۷۱
استدلال	۱۵	۱۱	۱۷	۲۰	۱۵	۷۸	۱۲/۷۶
ارزیابی شواهد و اظهارات	۱۱	۱۳	۲۵	۱۴	۳۳	۹۶	۱۵/۷۱
تفسیر نمودن	۷	۵	۹	۱۱	۱۲	۴۴	۷/۲۰
جمعی بودن (کارگروهی)	۴	۴	۳	۱۲	۷	۳۰	۴/۹۰
قضاوت صحیح در مورد مسائل	۲	۳	۵	۴	۱۱	۲۵	۴/۰۹
منطقی بودن	۱۰	۵	۷	۸	۲۲	۵۲	۸/۵۱
صراحت داشتن	۱۰	۱۰	۱۷	۲۹	۲۲	۸۸	۱۴/۴۰
جمع فراوانی مهارت‌ها در هر فصل	۸۷	۸۱	۱۱۹	۱۴۳	۱۸۱		
درصد فراوانی هر فصل نسبت به کل کتاب	۱۴/۲۳	۱۳/۲۵	۱۹/۴۷	۲۳/۴۰	۲۹/۶۲		

نمودار شماره ۱: میزان تاکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم متوسطه



### سوالات جزئی و پاسخ‌های

در محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه حد به مهارت سوال کردن توجه شده است؟  
در این کتاب، ۱۵۷ مورد به مهارت سؤال کردن، تاکید شده است که نسبت این تعداد، به فراوانی کل مهارت‌های تفکر انتقادی (۶۱۱ مورد) ۲۵/۶۹ درصد است بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. همچنین نسبت فراوانی مهارت سؤال کردن به ۱۳۸۸ جمله، عبارت، پاراگراف و مفهوم گنجانده شده در کل کتاب ۱۱/۳۱ درصد می‌باشد. اگر چه این مهارت بالاترین فراوانی را دارد، اما به دلیل اهمیت کنجکاوی و جستجو در این مقطع سنی و در موضوعات اعتقادی، بایستی بیش از این به این مولفه توجه شود. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین سوال پژوهشی مشابه با این سوال مطرح نشده است، لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این سوال پژوهشی در دسترس نبود.

۲- در محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه حد به مهارت تحلیل و ارزیابی توجه شده است؟  
در این کتاب، ۴۱ مورد به مهارت تحلیل و ارزیابی، تاکید شده است که نسبت این تعداد، به فراوانی کل مهارت‌های تفکر انتقادی (۶۱۱ مورد) ۶/۷۱ درصد است. همچنین نسبت فراوانی این مهارت به ۱۳۸۸ جمله، عبارت، پاراگراف و مفهوم گنجانده شده در کل کتاب ۲/۹۵ درصد می‌باشد. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین سوال پژوهشی مشابه با این سوال مطرح نشده است لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این سوال پژوهشی در دسترس نبود.

۳- در محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه حد به مهارت استدلال کردن توجه شده است؟  
با توجه به جدول شماره ۴-۴، در این کتاب، ۷۸ مورد به مهارت استدلال کردن، تاکید شده است که نسبت این تعداد به فراوانی کل مهارت‌های تفکر انتقادی (۶۱۱ مورد) ۱۲/۷۶ درصد است. همچنین نسبت فراوانی این مهارت به ۱۳۸۸ جمله، عبارت، پاراگراف و مفهوم گنجانده شده در کل کتاب، ۵/۶۱ درصد می‌باشد. بالاتر بودن این مهارت نسبت به سایر مهارت‌ها، به ضرورت اقامه دلیل و برهان در مسائل اعتقادی بر می‌گردد و حتی بایستی بیش از حد فعلی و به شیوه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین سوال پژوهشی مشابه با این سوال مطرح نشده است لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این سوال پژوهشی در دسترس نبود.

۴- در محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه حد به مهارت ارزیابی شواهد و اظهارات توجه شده است؟  
با استناد به جدول شماره ۴-۵، در این کتاب، ۹۶ مورد به مهارت ارزیابی شواهد و اظهارات، تاکید شده است که نسبت این تعداد، به فراوانی کل مهارت‌های تفکر انتقادی (۶۱۱ مورد)، ۱۵/۷۱ درصد است. همچنین نسبت فراوانی این مهارت به ۱۳۸۸ جمله، عبارت، پاراگراف و مفهوم گنجانده شده در کل کتاب، ۶/۹۱ درصد می‌باشد. بالاتر بودن این مهارت نسبت به ۷ مهارت دیگر، به ضرورت استناد به منابع معتبر تاریخی و قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) بر می‌گردد. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین سوال پژوهشی مشابه با این سوال مطرح نشده است لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این سوال پژوهشی در دسترس نبود.

۵- در محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه حد به مهارت تفسیر نمودن توجه شده است؟  
با استناد به جدول شماره ۴-۶، در این کتاب، ۴۴ مورد به مهارت تفسیر نمودن، تاکید شده است که نسبت این تعداد، به فراوانی کل مهارت‌های تفکر انتقادی (۶۱۱ مورد) ۷/۲۰ درصد است. همچنین نسبت فراوانی این مهارت به ۱۳۸۸ جمله، عبارت، پاراگراف و مفهوم گنجانده شده در کل کتاب، ۳/۱۷ درصد می‌باشد. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین سوال پژوهشی مشابه با این سوال مطرح نشده است لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این سوال پژوهشی در دسترس نبود.

۶- در محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه حد به مهارت جمعی بودن توجه شده است؟  
در این کتاب، ۳۰ مورد به مهارت جمعی بودن تاکید شده است که نسبت این تعداد، به فراوانی کل مهارت‌های تفکر انتقادی (۶۱۱ مورد) ۴/۹۰ درصد است. همچنین نسبت فراوانی این مهارت به ۱۳۸۸ جمله، عبارت، پاراگراف و مفهوم گنجانده شده در کل کتاب ۲/۱۶ درصد می‌باشد. این مهارت نسبت به سایر مهارت‌ها در رتبه هشتم قرار دارد، که قابل قبول نیست و با توجه به مقطع سنی دانش‌آموزان، لازم است مورد توجه بیشتر قرار گیرد. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین سوال پژوهشی مشابه با این سوال مطرح نشده است لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این سوال پژوهشی در دسترس نبود.

۷- در محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه حد به مهارت قضاوت صحیح در مورد مسائل توجه شده است؟

با استناد به جدول شماره ۴-۸، در این کتاب ۲۵ مورد به مهارت قضاوت صحیح در مورد مسائل، تاکید شده است که نسبت این تعداد به فراوانی کل مهارت‌های تفکر انتقادی (۶۱۱ مورد) ۴/۰۹ درصد است. همچنین نسبت فراوانی این مهارت به ۱۳۸۸ جمله، عبارت، پاراگراف و مفهوم گنجانده شده در کل کتاب ۱/۸۰ درصد می‌باشد. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین سوال پژوهشی مشابه با این سوال مطرح نشده است لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این سوال پژوهشی در دسترس نبود.

۸- در محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه حد به مهارت منطقی بودن توجه شده است؟ در این کتاب، ۵۲ مورد به مهارت منطقی بودن، تاکید شده است که نسبت این تعداد، به فراوانی کل مهارت‌های تفکر انتقادی (۶۱۱ مورد)، ۸/۵۱ درصد است. همچنین نسبت فراوانی این مهارت به ۱۳۸۸ جمله، عبارت، پاراگراف و مفهوم گنجانده شده در کل کتاب، ۳/۷۴ درصد می‌باشد. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین سوال پژوهشی مشابه با این سوال مطرح نشده است لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این سوال پژوهشی در دسترس نبود.

۹- در محتوای کتاب پیام‌های آسمانی پایه هفتم دوره اول متوسطه تا چه حد به مهارت صراحت داشتن توجه شده است؟ در این کتاب، ۸۸ مورد به مهارت صراحت داشتن، تاکید شده است که نسبت این تعداد، به فراوانی کل مهارت‌های تفکر انتقادی (۶۱۱ مورد) ۱۴/۴۰ درصد است. همچنین نسبت فراوانی این مهارت به ۱۳۸۸ جمله، عبارت، پاراگراف و مفهوم گنجانده شده در کل کتاب، ۶/۳۴ درصد می‌باشد. بالاتر بودن این مهارت نسبت به ۵ مهارت دیگر، تا حد زیادی، به ضرورت موضوع تعریف و شفاف‌سازی برای این مقطع سنی و در موضوعات دینی بر می‌گردد. با توجه به اینکه در تحقیقات پیشین سوال پژوهشی مشابه با این سوال مطرح نشده است لذا داده‌های قابل مقایسه با یافته‌های این سوال پژوهشی در دسترس نبود.

## منابع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶)، «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام»، تهران، انتشارات علم
- [۳] آموزگار، حسن (۱۳۷۵)، «اخلاق و تربیت اسلامی»، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- [۴] ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۶)، «فلسفه تربیت»، تهران، دانشگاه پیام نور
- [۵] ادیب، یوسف، (۱۳۸۲)، «طراحی الگوی مطلوب برنامه‌دستی مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان راهنمایی تحصیلی»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس. قابل‌بازیابی در سایت اینترنتی [www.new.kanoonnews.ir](http://www.new.kanoonnews.ir) تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱/۱۷
- [۶] اسماعیلی، محسن (۱۳۹۰)، «دیانت منهای بصیرت»، قم، انتشارات آوای منجی
- [۷] بابامحمدی، حسن و خلیلی، حسین (۱۳۸۳)، «مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، دوره چهارم، شماره دوازدهم.
- [۸] بختیارنصر آبادی، حسنعلی، نوروزی، رضاعلی، حبیبی، ناصر (۱۳۸۴)، «انگاره‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت»، تهران، انتشارات سماء قلم
- [۹] پوپر (بی‌تا)، «اسطوره چارچوب»، ترجمه پایا (۱۳۹۰)، مجله علوم تربیتی، شماره ۱ و ۲، اهواز، دانشگاه شهید چمران
- [۱۰] پیشقدم، رضا (۱۳۸۶)، «مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد»، شماره ۱۵۹، زمستان ۱۳۸۶
- [۱۱] تقی پورظهیری، علی (۱۳۷۸)، «مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی»، تهران، انتشارات آگاه
- [۱۲] دیوبی، جان، «منطق، تئوری تحقیق»، ترجمه علی شریعتمداری. (۱۳۸۶) تهران، دانشگاه تهران
- [۱۳] دلاور، علی (۱۳۸۲)، «مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»، تهران، مدرسه.
- [۱۴] دلشاد، مصطفی (۱۳۹۱)، «سیری در تربیت اسلامی»، اصفهان، مرکز تحقیقات قائمیه
- [۱۵] دهخدا، علی اکبر «لغت‌نامه دهخدا» تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- [۱۶] زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۵)، «اصول و روشها و مباحث نقادی»، تهران، انتشارات امیر کبیر
- [۱۷] جعفری کمانگر، فاطمه و سلیمانی، آزاده، (۱۴۰۱)، «جایگاه تفکر انتقادی لیپمن در محتوای کتاب‌های فارسی ابتدایی»، دو فصلنامه تفکر و کودک، (۱۴۰۱) قابل‌بازیابی در پایگاه اینترنتی [https://fabak.ihcs.ac.ir/article\\_8260.html](https://fabak.ihcs.ac.ir/article_8260.html)
- [۱۸] جی. پی. میلر، ترجمه محمود مهر محمدی (۱۳۹۲)، «نظریه‌های برنامه‌دستی»، تهران، انتشارات سمت.
- [۱۹] جهانی، جعفر (۱۳۸۷)، «نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی لیپمن»، رساله دکتری، دانشگاه تهران، قابل‌بازیابی در پایگاه اینترنتی [www.help4you.blogfa.com](http://www.help4you.blogfa.com) تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۷/۱۵
- [۲۰] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، «مفاتیح الحیات»، چاپ هفتاد و هشتم، قم، مرکز نشر اسراء
- [۲۱] حسینی، علی اکبر (۱۳۸۵)، «تاریخ تحلیلی صدر اسلام»، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- [۲۲] خادمی، سولماز (۱۳۹۸)، «میزان توجه به خلاقیت، تفکر انتقادی و ابراز وجود در برنامه‌دستی دین و زندگی دانش‌آموزان دوره متوسطه»، فصلنامه علوم اسلامی و انسانی، بهار ۱۳۹۸
- [۲۳] سلیمان نژاد، اکبر و سلطان القرائی، خلیل (۱۳۸۷)، «تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۶
- [۲۴] سلطان القرائی، خلیل (۱۳۸۴)، «فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی»، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز
- [۲۵] سیف، علی اکبر (۱۳۹۰)، «روانشناسی پرورشی نوین»، تهران، نشر دوران
- [۲۶] سهیلی، منصور، (۱۳۹۰)، قابل‌بازیابی در پایگاه اینترنتی [www.help4you.blogfa.com](http://www.help4you.blogfa.com) تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۷/۲۰
- [۲۷] شریعتمداری، علی (۱۳۹۰)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات امیر کبیر
- [۲۸] شریعتمداری، علی (۱۳۸۲)، «روانشناسی تربیتی»، تهران، انتشارات امیر کبیر
- [۲۹] شعبانی، حسن (۱۳۸۱)، «مهارت‌های آموزشی و پرورشی روشها و فنون تدریس»، تهران، انتشارات سمت.
- [۳۰] شعبانی، حسن (۱۳۸۲)، «روش تدریس پیشرفته، آموزش مهارت‌های تفکر»، تهران: انتشارات سمت
- [۳۱] صادقی، عباس (۱۳۹۱)، قابل‌بازیابی در پایگاه اینترنتی [www.ensani.ir](http://www.ensani.ir) تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۷/۲۰
- [۳۲] صرفی پور، محمد تقی (۱۳۹۰)، «دانشمندان مسلمان ایرانی»، تهران، انتشارات صرفی پور
- [۳۳] طالب زاده، حمید (۱۳۸۹)، «آشنایی با فلسفه اسلامی»، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی

- [۳۴] عباسی، عفت (۱۳۸۰)، «بررسی مهارتهای موثر برپرورش تفکرانتقادی دربرنامه درسی جامعه شناسی دوره متوسطه سال ۸۰-۷۹»، تهران، دانشگاه تربیت معلم
- [۳۵] غنیمه، عبدالرحمان (۱۳۶۴)، «تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی»، ترجمه نوراله کسانی، تهران، انتشارات یزدان
- [۳۶] غیائی، پروین وهمکاران (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای کتاب تاریخ معاصر ایران در دوره متوسطه»، قابل بازیابی در سایت اینترنتی [www.ganj.irandoc.ac.ir](http://www.ganj.irandoc.ac.ir) تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۷/۲۵
- [۳۷] فتحی آذر، اسکندر (۱۳۸۲)، «روشها و فنون تدریس»، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز
- [۳۸] فصلنامه حفاظت (۱۳۸۴)، شماره پیاپی ۷، سال دوم، تهران: دانشکده امام هادی (علیه السلام)
- [۳۹] فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۹۰)، «اصول برنامه ریزی درسی»، انتشارات ایران زمین، چاپ نهم
- [۴۰] کدیور، پروین (۱۳۸۱)، «روانشناسی تربیتی»، تهران، انتشارات سمت
- [۴۱] گنجی، محمدحسین (۱۳۸۴)، «کلیات فلسفه»، تهران، انتشارات سمت
- [۴۲] مایرزجت (۱۹۴۲)، «آموزش تفکر انتقادی»، ترجمه خدایار ابیلی (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات سمت
- [۴۳] محبوبی، حسن وهمکاران، (۱۳۹۱)، قابل بازیابی در شبکه آموزشی پژوهشی مادسیج [www.madsg.com](http://www.madsg.com) تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۷/۲۰
- [۴۴] مرادی، حسن (۱۳۸۸)، «تحلیل محتوای کتاب درسی» تهران، انتشارات آبیژ
- [۴۵] مطهری، مرتضی، «خدمات متقابل اسلام و ایران» قم، انتشارات صدرا (۱۳۷۵)
- [۴۶] مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) «تعلیم و تربیت اسلامی»، قم، انتشارات صدرا
- [۴۷] مطهری، مرتضی (۱۳۸۹) «جاذبه ودافعه علی علیه السلام»، تهران، انتشارات آدینه سبز، چاپ اول
- [۴۸] ملکی، حسن (۱۳۸۶)، «برنامه ریزی درسی، راهنمای عمل»، مشهد، نشر پیام اندیشه
- [۴۹] ملکی، حسن وحبیبی پور، مجید (۱۳۸۶)، «پرورش تفکرهدف اساسی تعلیم و تربیت»، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره: ۱۹
- [۵۰] میرزاحمدی، محمد حسن وصحبت لو، علی (۱۳۸۶)، «تبیین اهداف مشترک حوزه ودانشگاه»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۳
- [۵۱] ندرو، لیللا (۱۳۹۳)، «جایگاه تفکرانتقادی درکتاب مطالعات اجتماعی سوم وششم ابتدایی»، دانشگاه آزاداسلامی اراک
- [۵۲] نوریان، محمد (۱۳۸۷)، «تحلیل محتوای کتابهای فارسی سال اول دبستان درایران»، فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۱۲، تهران، تابستان ۱۳۸۶
- [۵۳] وکیلان، منوچهر (۱۳۹۰)، «تاریخ آموزش وپرورش دراسلام وایران»، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- [۵۴] وستون، آنتونی، «خلافت، تفکرانتقادی»، ترجمه کاوه بویری (۱۳۸۸)، تهران، نشر کتاب آمد
- [۵۵] ولیزاده، حسن (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کتاب های علوم اجتماعی دوره متوسطه و رورش تدریس معلمین علوم اجتماعی دوره متوسطه از نظر پرورش مهارت تفکرانتقادی» قابل دسترسی درسایت [www.ganj.irandoc.ac.ir](http://www.ganj.irandoc.ac.ir) تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۸/۵
- [۵۶] وینچ، کریستوفر، «استقلال، آموزش وتفکرانتقادی»، ترجمه افشارامیری (۱۳۸۶)، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی
- [۵۷] وهابی، زلیخا (۱۳۹۰)، «ارزیابی محتوای کتابهای درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه براساس مهارتهای تفکر انتقادی از دیدگاه کارشناسان برنامه ریزی درسی و دبیران علوم اجتماعی آموزش و پرورش منطقه اورامانات در سال تحصیلی ۹۰-۸۹»، قابل دسترسی درسایت [www.ganj.irandoc.ac.ir](http://www.ganj.irandoc.ac.ir) تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۲/۱۵
- [۵۸] هاشمیان نژاد، فریده (۱۳۸۰)، «چهارچوب نظری درخصوص برنامه ی درسی مبتنی برتفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تاکید بربرنامه ی درسی مطالعات اجتماعی»، رساله دکتری، دانشگاه آزاداسلامی تهران
- [۵۹] هاشمیان نژاد، فریده (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کتابهای درسی علوم و دینی دوره راهنمایی از منظر مهارتهای تفکر انتقادی»، اولین همایش ملی تحول بنیادین در نظام برنامه درسی ایران، ۲۸ / ۲ / ۱۳۹۰
- [۶۰] هاشمیان نژاد، فریده (۱۳۸۰)، «جایگاه تفکر در برنامه ریزی درسی»، همایش برنامه ریزی وپرورش تفکر، تهران، ۱۳۸۰
- [۶۱] یار محمدیان، محمد حسن (۱۳۷۷)، «اصول برنامه ریزی درسی، مبانی فلسفی، روانشناختی و جامعه شناختی و...»، تهران: انتشارات یادواره کتاب
- [62] Scheffer & Rubinfeld 767/Iranian Journal of Medical Education 2012:12(10) [www.ijme.mui.ac.ir](http://www.ijme.mui.ac.ir)
- [63] Albergaria, Patricia (2011). ((Critical thinking, Questioning and Creativity as Components of Inteligence)), Journal of Procedia-Social and Behavioral Sciences, Vol. 30
- [64] Meyers, Ch. (2007) Critical thinking development. Ababili Khodayar translation, Tehran: Samt.(Persian)

- 
- [65] Johnson, Elaineb. (2002) Contextual Teaching and learning: what it is and whay it's here to stay, united kingdom, Corwin press.
- [66] Paul, Richard and Elder, Linda (2000) Critical Thinking: the path to responsible citizenship, High school Magazine,7no810015ap2000
- [67] Smith-stoner, Marilyn (1999) Criticalthinking: the path to responsible citizenship ,High school Magazine,7no810015ap2000
- [68] Lipman, Matthew (1997), Thinking in Education. Cambridge mas cambridge university press
- [69] Bensley, Alan, D (1997), Critical thinking in psychology. International Thomson publishing compa
- [70] Ennis, Robert (1987), Integrating critical thinking skill into the classroom, College student Journal. VOL 41,326-353
- [71] Ennis, R. (1962). A concept of Critical thinking. Harward Educational Review, Vol. 46, No